وجه فقهی عدم جواز قرائت «ملک» و «مالک» در رکعت واحده در ذهنیت آیت الله خوانساری

شاگرد: حاج شیخ در «ملک» و «مالک» گفتند که یکی از آنها را به قصد قرآنیت نمی خوانیم. پس اشکال آسید احمد جا ندارد. مثلاً در سوره حمد قطع کنید و یک ذکری بگویید و بعد ادامه بدهید. اشکال ندارد. پس چرا اشکال را پذیرفتند؟

استاد: ببینید مردد می‌شود که کدام به قصد ذکر است؛ شما باید تعیین کنید.

شاگرد: چرا تعیین واجب باشد؟

استاد: به این خاطر که او می‌خواهد به قصد قرآنیت بخواند و می‌خواهد بگوید من دارم قرآن می‌خوانم. الآن شما می‌گویید «مالک یوم الدین»، قاصد قرآن هستید یا نه؟

شاگرد: در احدهما قاصد قرآن هستم.

استاد: وقتی تردید در نیت شد، کسانی که تردید در نیت را اشکال می‌کنند، اینجا را هم اشکال می‌کنند. می‌گویند شما باید جازم در نیت باشید. الآن که می‌گویید «مالک» باید جازم باشید که من کلام الله را قرائت می‌کنم. وقتی ندانستید باید دو نماز بخوانید. طبق آن بگویید الآن دارم به‌صورت جزم کلام خدا را می‌خوانم. طبق این که الآن هست، ولو باطل بود اما نماز من لغو می‌شود.

شاگرد: جزم در نیت در قصد تقرب است، در قصد قرآنیت که نیست.

استاد: بله، در ذهن قاصرم مخالف فرمایش شما نیستم اما اشکال ایشان را تقریر می‌کنم. همچنین اشکال آمیرزا هاشم را. هر دوی آنها گفتند و حاج شیخ هم پذیرفتند. اصلاً اینکه من امروز خواندم برای همین بود. آمیرزا هاشم اشکال کردند، آقای خوانساری اشکال کردند، حاج شیخ هم پذیرفتند. یعنی دست از احتیاطشان برداشتند. ذکر مطلق وقتی جایش نباشد، کلام آدمی می‌شود.

شاگرد: الآن به این اشکال می‌کنند که سوره حمد را تا جایی بخوانید و بعد ذکر بگویید و بعد ادامه آن را بخوانید؟

استاد: ببینید جبرئیل «مالک» آورده است. بین اهلسنت خیلی جالب است، میگویند مروان «ملک» خوانده است. خب شما در کلام خدا «مالک» را میخوانید بعد قصد ذکر میکنید؟! اما تحریف و تغییر مروان در کلام خدا -«ملک»- را هم میخوانید؟! این ذکر میشود؟! با تحریف مروان میتوانید قصد ذکریت کنید؟! خود اهل فن مفصل جواب اینها را دادهاند. من مفصل عرض کردم.

شاگرد: بالأخره معنایش تقرب الی الله است.

استاد: نه، صحبت سر این است که شما چرا این ذکر را در اینجا میآوری؟ شما کلام مروان را میآوری، نه ذکر خدا را. شما که نمیخواهید ذکر خدا را بگویید که خدا «ملک یوم الدین» است. چون در اینجا قرائت دو تا است، طبق این نقل وقتی نگاه میکنید، میگویید من گفته مروان را که کلام آدمی است، ضمن سوره میآورم. این نیت ها بود و شاید هم حاج شیخ به اینها فکر کردهاند که دست از آنها بردا شتهاند. من دو-سه تا از آنها را آوردهام. یکی پسر ابن جزری است، یکی هم ابوشامه است. میگویید من دوست دارم در هر نمازی هر دوی آنها را بخوانم. چرا؟ چون هر دوی آنها نازل شده است. نمیگویید احتیاط است. میگویید چون هر دوی آنها متواتر است و نازل شده، احب ان اقرأ بکلیهما فی کل رکعه.

شاگرد2: پس مروان را چه کار میکنند؟

استاد: مروان را مفصل جواب میدهند. این برای زمان خود مروان است. زهری گفته «اول من قرأ ملک مروان». او گفته. بعد جواب دادهاند و گفته اند شما در عراق بودی لذا «مالک» شنیده بودی، اما مروان در مدینه به دنیا آمده بود و از بچگی «ملک» خوانده بود. شما آن را نشنیده بودی و پشت سر مروان نماز خواندی و یک دفعه دیدی «ملک» خواند. او که امروز در نیاورده بود، از بچگی قرائت اهل مدینه را خواند. او گفت «اول من قرأ». یعنی اول سماع تو.

شاگرد: زهری جزو طبقات قراء نبوده؟

استاد: نه، محدث بزرگی بوده. مقری که نیست هیچ، مروان هم کاره ای نیست. اصلاً دو تا چهار تا است. اگر مروان در آورده بود، شیعه اول مخالفین او بودند. مدام به هم میگفتند این مروان ملعون «ملک» خوانده شما نخوانید، [معنا ندارد بگویم] ممامشات کردند و تقیه کردند و گفتند که شما حرف مروان را ادامه ندهید.

شاگرد: روایات «ملک» و «مالک» هیچکدام ترجیح بر دیگری ندارد؟

استاد: نه، مرحوم مجلسی فرمودند «قد وردت القرائتان فی روایاتنا، و ان کان روایه مالک افضل». در تفسیر عیاشی دارد که مکرر از امام شنیدم که «ملک» میخواندند. روایت بعدی میگوید مکرر شنیدم که «مالک» میخواندند. یعنی اصلاً فضا به این صورت است. یک صفحه بلند بالایی راجع به قرائت «مالک یوم الدین» در فدکیه هست. آن هایی که خلاف آن را میگویند و آنهایی که از قدیم دارند.

شاگرد: علامه که تعدد را قبول دارند چرا «ملک» و «مالک» میخواندند؟

استاد: شما نقل فرمودید.

شاگرد: بله، آشیخ صادق از آقای مطهری نقل کردند.

استاد: از آقای مطهری نقل کرده بودند که علامه طباطبایی هر دوی آنها را میخواندند. آقای خوانساری هم دارد. من گفتم در رسانهها خودم شنیدم. همینجا شاهدش است. میگویند تا ایشان نشستند گفتند بیایید حرف خودمان را بزنیم. شما چرا در نماز هم «ملک» میخوانید و هم «مالک»؟ من خودم هم شنیده بودم. در مباحثه هم چندبار گفته بودم. جالب است. در نماز جمعه «ملک یوم الدین» و «مالک یوم الدین» میخواندند و پخش میشد. نماز جمعه تهران. علی ای حال آن جا ببینید هست.

شاگرد: از آقای منتظری هست که هر دو را میخواندند.

استاد: ایشان زحمت کشیدهاند و گذاشتهاند. ایشان نزد آقای خوانساری میروند. سبک آقای خوانساری هم که معلوم بوده. بحثهای دیگری مطرح میشود. ایشان هم میگویند بیایید حرف خودمان را بزنیم. کلمه خودمان هم در میان ایشان خیلی لطیف است. بعد این را میگویند که چرا شما هم «ملک» و هم «مالک» میخوانید؟ یعنی همان اشکالی است که استادشان کردند. میخواهند بگویند که این خلاف احتیاط است که هر دو را بخوانید.

شاگرد: صاحب حدائق نمیتواند از اشکالش جواب بدهد که این روایاتی که حضرت تعیین کردند کدام یک از آنها است را به خواص گفته اند و بقیه را طبق «اقرئوا کما یقرأ الناس» گفته باشند.

استاد: همه این چیزهایی که به خواص گفته اند اول تقیه بوده. به خواص میگفتند و بعد نظر اهلبیت مستقر میشد. قرائت اهلبیت «آل یاسین» است، الآن هم مغرب و مراکش و الجزائر «آل یاسین» میخوانند اما ما «ال یاسین» میخوانیم. کسی که به اینها فکر کند میفهمد که آن زمان چه فضایی بوده است. خود شیعه همان زمان میخ «آل یاسین» را نمی کوبیدند که به بچههایشان بگویند تو تنها «آل یاسین» بخوان. میدانستند و میگفتند ای «ال یاسین» بخوان ای «آل یاسین». همه آنها کلام خدا است. جبرئیل آورده است. همانطوری که علامه طباطبایی فرمودند. اما اینکه چرا خودشان دو تا میخواندند ممکن است همان حرف او باشد که «احب ان اقرأ...».

شاگرد: شما در نمازتان «آل یاسین» میخوانید یا «ال یاسین»؟

استاد: الآن نصف بلاد اسلام در نماز جماعتشان «آل یاسین» میخوانند.

شاگرد: در شیعه که «ال یاسین» شنیدههایم آدم میترسد «آل یاسین» بخواند.

استاد: این همانی است که آقای اراکی گفتند. آسید ابوالحسن اصفهانی، آقای حکیم «ملک» را ترجیح دادند. آقای اراکی میگویند اینکه دغدغه نیست، از روز اول مسلمانان «مالک» خواندهاند. و حال آنکه این جور نیست. آقای اراکی تنها «مالک» شنیده بوده. یعنی آقای اراکی به این محکمی میگویند که معلوم است «مالک» است! در فدکیه نگاه کنید. بحث فقها در اینجا خیلی جالب است. شیخ الشریعه کتاب نوشته اند به نام انارة الحالک فی ترجیح ملک علی مالک. آقای مرعشی در حاشیه عروه میگویند تمام ادله ایشان مخدوش است. آقای مرعشی مثل خود آقای اراکی که در قم بودند مدافع «مالک» هستند. آقای مرعشی میگویند که «مالک» بخوانید. ادله آقای شیخ الشریعه قبول نیست. آقای حکیم فرمودند راجح «ملک» است. چرا؟ چون قرائه اهل الحرمین است. یعنی مدینه و مکه به این صورت میگویند. به همین خاطر ایشان «ملک» را ترجیح میدهند. آقای

طباطبایی هم «ملک» را ترجیح می‌دهند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 10:40:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 11:51:02 توسط ... .